

پیش بینی دزدگی زناشویی بر اساس تمایز یافتگی و الگوهای ارتباطی در افراد متأهل

زینب کوشکی^۱، ابوذری مختاری اردلی^۲، زهرا عابدی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی_خانواده دانشگاه آزاد اسلامی

z.kooshki7069@gmail.com

۰۹۱۳۷۴۳۷۳۴۰

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی_خانواده دانشگاه آزاد اسلامی

abouzar.m60@gmail.com

۰۹۱۳۹۰۲۹۵۱۱

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی_خانواده دانشگاه آزاد اسلامی

zahraabedi293@gmail.com

۰۹۰۱۹۸۹۳۶۳۴

چکیده

این مطالعه باهدف پیش بینی دزدگی زناشویی بر اساس تمایز یافتگی و الگوهای ارتباطی در افراد متأهل انجام شد. این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این مطالعه شامل افراد متأهل شهر اصفهان در سال ۱۴۰۱ بودند. نمونه این مطالعه شامل ۴۰ نفر از افراد متأهل بودند که به روش در دسترس انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات لازم از مقیاس های دزدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶)، تمایز یافتگی اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) و الگوهای ارتباطی ریچی و فیتز پاتریک (۱۹۹۰) استفاده شد. به منظور تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ و آزمون های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد. نتایج نشان داد که بین الگوهای ارتباطی کارآمد و دزدگی زناشویی ارتباط منفی و معنادار (۰/۳۳۰-) وجود دارد؛ درواقع افزایش الگوهای ارتباطی کارآمد با کاهش دزدگی زناشویی همراه است. نتایج نشان داد که بین تمایز یافتگی و دزدگی زناشویی ارتباط منفی و معنادار (۰/۴۹۷-) وجود دارد؛ درواقع افزایش تمایز یافتگی با کاهش دزدگی زناشویی همراه است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای تمایز یافتگی و الگوهای ارتباطی بر اساس ضریب R2 در مجموع ۳۲ درصد از واریانس متغیر دزدگی زناشویی را تبیین می کنند. در مجموع می توان نتیجه گرفت که الگوهای ارتباطی و تمایز یافتگی نقش مؤثری بر دزدگی زناشویی دارند؛ اما نتایج رگرسیون نشان داد که نقش تمایز یافتگی نسبت به الگوهای ارتباطی بیشتر است.

واژگان کلیدی: دزدگی زناشویی، تمایز یافتگی، الگوهای ارتباطی

۱_ مقدمه

خانواده یک واحد عاطفی و شبکه ای از روابط درهم تنیده است که از پیوند زناشویی مرد و زن ایجاد می شود (آسپارا و همکاران، ۲۰۱۸). دستیابی به جامعه سالم، درگرو سلامت خانواده و برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن رابطه مطلوب با یکدیگر است (بیترد و بیرد، ۲۰۱۶). هر فردی ابتدا و در شکل طبیعی اش رابطه زناشویی خود را با عشق و علاقه شروع می کند و حدس و گمانه اولیه او نیز در راستای حفظ و تداوم این رابطه است؛ اما پس از مدتی ممکن است زن یا شوهر یا هر دوی آن ها نسبت به عمق و شکل رابطه شان دچار تردید و مشکل شوند (خواصی، ۱۳۹۲). ولی به تدریج هنگامی که متوجه می شوند رفتار همسرشان آن گونه نیست که انتظارش را داشته اند، احساس های منفی در رابطه آن ها پدید می آیند (مک کارتی، ۲۰۰۶؛ حشمتی و همکاران، ۱۳۹۶).

وقتی که زوجها در برقراری ارتباط با یکدیگر شکست می خورند؛ صمیمیت و تعهد متقابل گسسته و دزدگی زناشویی ایجاد می شود (پناهی و همکاران، ۱۳۹۶). درواقع دزدگی دید منفی و نامطلوبی را ایجاد می کند که زوجین نسبت به زندگی و ارتباط زناشویی خوددارند (کوچکی امیرهنده و همکاران، ۱۳۹۶). پاینز (۲۰۰۲) مؤلفه های دزدگی زناشویی را در سه بعد جداگانه اما مرتبط باهم، شامل خستگی جسمانی، از پا افتادگی روانی و از پا

افتادگی عاطفی مشخص کرده است. دزدگی زمانی بروز می کند که زوجین متوجه می شوند، علیرغم تلاششان، رابطه آن ها به زندگی معنا ندهد و نخواهد داد. درواقع، انباشته شدن سرخوردگی ها و تنش های زندگی روزمره، سبب فرسایش می شود و سرانجام به دزدگی منجر می شود (شعاع کاظمی، ۱۳۹۶).

کایزر (۱۹۹۳) دزدگی زناشویی را فقدان دلبستگی عاطفی تعریف می کند که دارای سه مرحله است: ۱. سرخوردگی و ناامیدی؛ در این مرحله فرد دل زده نسبت به همسرش در سکوت کامل نشخوار فکری می کند. ۲. حس مابین ناامیدی، دزدگی، خشم و تنفر؛ این مرحله با حس تنفر همراه است و چشم پوشی از خطاهای همسر به سختی ممکن می شود، ۳. دلسردی و بی تفاوتی؛ فاصله گیری عاطفی و جسمی مهم ترین ویژگی آخرین مرحله از فرآیند دزدگی زناشویی است (نقل از صدری دمیرچی و همکاران، ۱۳۹۸).

عوامل مختلفی در بروز دزدگی زناشویی نقش دارند که از جمله می توان به تأثیر میزان تمایز یافتگی بر رضایت زناشویی زوج ها اشاره کرد (کلور، ۲۰۰۹؛ گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۲/۲۰۰۸). تمایز یافتگی، به توانایی افراد برای تمایز خود از خانواده اصلی شان در سطح عاطفی و عقلی اطلاق می شود (اسلام زاده و همکاران، ۱۳۹۵) که تمایز یافتگی شامل توانایی درونی فردی برای تمایز میان شیوه های فکر کردن و احساس کردن و توانایی میان فردی برای حفظ استقلال در عین صمیمیت قوی با افراد مهم زندگی است (اسکورن و دندی، ۲۰۰۴). مفهوم تمایز یافتگی از اساسی ترین مفاهیم نظریه نظام های خانواده موری بوون (۱۹۸۷) است که به منظور تبیین عملکرد خانواده به کار می رود، خانواده ها و دیگر گروه های اجتماعی تأثیر زیادی بر نحوه تفکر، احساس و رفتار افراد دارند. محیط و خانواده سطح تمایز یافتگی خود فرد را در کودکی تعیین می کنند و متقابلاً سطح تمایز یافتگی خود فرد بر محیط و زندگی اجتماعی و آینده فرد و از جمله در روابط زناشویی وی تأثیر گذار است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۷). تمایز یافتگی در اصطلاح پلی است که فهم وابستگی متقابل در روابط را آسان می سازد. تفکیک خویشتن در معنای بوئی آن، بیشتر به عنوان یک فرآیند و مسیر زندگی، در نظر گرفته می شود تا یک حالت وجودی یا بودن صرف که هدف اساسی آن، توازن ایجاد کردن میان احساس و شناخت است (گلدنبرگ، ۱۳۹۲). در نظام زناشویی نیز وقتی تمایز یافتگی زوج ها بالا باشد احتمال سازگاری مناسب با تعارض ها نیز برای زوج ها بیشتر می شود و اضطراب، واکنش های هیجانی و در نهایت آمیختگی کاهش می یابد، در سمت مقابل، استفاده زوج های با تمایز یافتگی پایین از اجتناب، به هنگام وقوع تعارض (لیکانی، ۲۰۱۳) به بر هم زدن تعادل بین "باهم بودن و فردیت" می انجامد و در درازمدت به دزدگی زناشویی منجر می شود (پاپرو، ۲۰۰۰).

خانواده به عنوان مهم ترین نظام انسانی همواره مورد تأکید بوده است. واتزلویک و همکاران (۱۹۶۷) به نقل از کلارکو شیلدرز (۱۹۹۷) خانواده را نظامی قانون گذار تعریف می کنند که اعضای آن به طور پیوسته بر مبنای الگوی ارتباطشان در حال تجدیدنظر در تعریف ماهیت روابطشان هستند. یکی از عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی الگوهای ارتباطی زوجین است (لی و جانسون، ۲۰۱۸). ارتباط مؤثر ستون فقرات هر رابطه ی موفق است و در مقابل، ارتباط زناشویی ناکارآمد عامل اصلی نارضایتی است (مانینگ و کوهن، ۲۰۱۲). وقتی زوج ها بتوانند افکار و احساسات خود را برای هم بیان کنند علاوه بر اینکه باهم صمیمی تر می شوند، همچنین از ایجاد سوء تفاهم هم جلوگیری می شود و قادر خواهند بود به دنیای هم وارد شوند (هال ترجمه رسولی، ۱۳۹۲).

ارتباط مؤثر و سالم به زن و شوهر این امکان را می دهد که با یکدیگر به بحث و تبادل نظر بپردازند و از نیازهای هم آگاهی پیدا کنند (جاویدی و همکاران، ۱۳۹۲). درمانگران و پژوهشگران معتقدند که از دیگر عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی و پیش بینی کننده ی قوی آن، الگوهای ارتباطی زوجین است (گاتمن و نوتاریز، ۲۰۰۲). الگوهای ارتباطی زوجین، فرایندی است که در طی آن زن و شوهر به صورت کلامی و غیر کلامی با یکدیگر تعامل برقرار می کنند. در زمینه ی ارتباطات موجود در خانواده فیتزپاتریک و ریچی (۱۹۹۷) دو بعد اساسی جهت گیری گفت و شنود و جهت گیری همنوایی الگوهای ارتباطی را معرفی کرده اند. جهت گیری گفت و شنود به ارزش ارتباط و تعامل فراوان، خودجوش و بدون اجبار و فشار بین اعضای خانواده تأکید دارد. جهت گیری همنوایی با یکرنگ شدن باورها، نگرش ها و ارزش ها مشخص می شود. ارتباطات خانواده بر ثابت ماندن روابط یکرنگی تأکید دارد که انعکاس دهنده ی اطاعت از والدین است (روتر و کوئرنر، ۲۰۰۸).

با توجه به پژوهش‌های ذکر شده و همچنین نظر به اینکه دلزدگی زناشویی یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز مشکلات زناشویی و طلاق عاطفی و طلاق است و همچنین تأثیر زیادی بر کیفیت زندگی زناشویی دارد، انجام اقداماتی جهت کاهش دلزدگی زناشویی ضروری است. لذا هدف از انجام این پژوهش کاهش دلزدگی بر اساس تمایز یافتگی و الگوهای ارتباطی در زنان متأهل است.

۲_ روش‌شناسی

این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این مطالعه شامل افراد متأهل شهر اصفهان در سال ۱۴۰۱ بودند. نمونه این مطالعه شامل ۴۰ نفر از افراد متأهل بودند که به روش در دسترس انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش شامل موارد زیر بود: ۱. گذشتن حداقل پنج سال از زندگی مشترک، ۲. سن بین ۲۰ تا ۵۳ سال، ۳. رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش. معیار خروج نیز شامل عدم تکمیل یا تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها بود. لازم به ذکر است که قبل از پخش پرسشنامه، افراد از اهداف و اهمیت پژوهش آگاه شدند؛ و با رضایت و آگاهی لازم درباره چگونگی پژوهش مشارکت داشتند. همچنین به افراد از حق محرمانه بودن همه مشخصات در کل فرایند پژوهش و حق انصراف داده شد. پرسشنامه‌ها به صورت آنلاین و از طریق سایت پرس لایه طراحی شد و از طریق فضای مجازی در اختیار افراد متأهل شهر اصفهان قرار داده شد. جمع‌آوری پرسشنامه‌ها ۳ هفته به زمان برد. برای جمع‌آوری اطلاعات لازم از مقیاس‌های دلزدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶)، تمایز یافتگی اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) و الگوهای ارتباطی ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۷) استفاده شد. به منظور تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ و آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد.

۲_۱_ ابزارها

۱- **مقیاس دلزدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶):** این مقیاس توسط پاینز (۱۹۹۶) ساخته شد. این پرسشنامه ۲۰ سؤال است که شامل ۳ جزء اصلی خستگی جسمی (مثل احساس خستگی، سستی و اختلالات خواب)، از پا افتادن عاطفی (مثل احساس افسردگی، ناامیدی، در دام افتادن)، از پا افتادن روانی (مثل سرخوردگی، احساس بی‌ارزشی و خشم به همسر) است. این سه جز روی یک مقیاس ۷ درجه‌ای پاسخ داده می‌شوند. درجه ۱ معرف عدم تجربه عبارت موردنظر و درجه ۷ معرف تجربه زیاد از عبارت موردنظر است (پاینز، ترجمه شاداب، ۱۳۸۱). ارزیابی ضریب اعتبار پرسشنامه نشان داد که همبستگی درونی بین متغیرها در دامنه ۰/۸۴ و ۰/۹۰ است. ضریب اعتبار آزمون باز آزمون ۰/۸۹ برای دوره یک‌ماهه، ۰/۷۶ برای دوره دوماهه و ۰/۶۶ برای دوره چهار ماه بود. روایی این پرسشنامه به وسیله همبستگی‌های منفی با ویژگی‌های ارتباطی مثبت به تأیید رسیده است، مانند نظر مثبت در مورد ارتباط، کیفیت مکالمه، احساس امنیت، خودشکوفایی و کیفیت رابطه جنسی و عاطفی نسبت به همسر است. نسخه‌های ترجمه شده این مقیاس به طور موفقیت‌آمیزی در مطالعه بین فرهنگی در نروژ، مجارستان، مکزیک، اسپانیا، پرتغال، فنلاند و اسرائیل به کار برده شده است (پاینز و نانز، ۲۰۰۳). همچنین در ایران نادری و همکاران (۱۳۸۸) پایایی این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۸۱ به دست آوردند. همچنین روایی واگرایی این پرسشنامه با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ را ۰/۴۰ حساب کردند.

۲- **پرسشنامه الگوهای ارتباطی ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۷):** این مقیاس یک پرسشنامه خود سنجی است که توسط ریچی و فیتزپاتریک (۱۹۹۷) ساخته شده و میزان موافقت یا عدم موافقت پاسخ‌دهنده را با ۲۶ سؤال که درباره وضعیت ارتباطات خانواده وی هستند در دامنه ۵ درجه‌ای مورد سؤال قرار می‌گیرد. نمره ۴ کاملاً موافقم و نمره صفر معادل کاملاً مخالفم است. ۱۵ سؤال اول مربوط به بعد جهت‌گیری گفت‌و شنود و ۱۱ سؤال بعدی مربوط به جهت‌گیری همنوایی می‌باشند. هر آزمودنی دو نمره از این مقیاس به دست می‌آورد. نمره بیشتر در هر مقیاس به این معناست که آزمودنی در خانواده خود به ترتیب جهت‌گیری گفت‌و شنود یا همنوایی بیشتری را درک می‌کند. مؤلفه‌ها و سؤالات مربوط به هر مؤلفه شامل: جهت‌گیری گفت‌و شنود: سؤال ۱ تا ۱۵، جهت‌گیری همنوایی: ۱۶ تا ۲۶. اندازه ضریب کی رز-مایلر آلفا برابر با ۰/۸۵۲ بود که

حاکمی از کفایت نمونه‌گیری محتوایی ماتریس همبستگی اطلاعات است. ضریب آزمون کروییت بارتلت نیز برابر با ۴۹۸/۲۳۱۹ معنادار بود. ابزار تجدیدنظر شده الگوی ارتباطات خانواده از روایی محتوایی برخوردار است (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). در مورد روایی ملاکی نشان داده‌شده است که انواع متفاوت خانواده‌ها و ابعاد زیربنایی تیپ‌شناسی آن‌ها با اندازه‌هایی که از لحاظ نظری به آن‌ها مربوط هستند همبستگی دارند (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). فیتزپاتریک و ریچی (۱۹۹۷) در مطالعه دیگری ضریب پایایی به روش آزمون باز آزمون سه گروه سنی متفاوت بعد از یک دوره سه‌هفته‌ای در مورد جهت‌گیری گفت‌و شنود نزدیک به ۱ و در مورد جهت‌گیری همنوایی بین ۰/۷۳-۰/۹۳ گزارش شده است. مقیاس جهت‌گیری گفت‌و شنود در مقایسه با مقیاس جهت‌گیری همنوایی همواره پایایی بیشتری داشته است. در مورد مقیاس جهت‌گیری گفت‌و شنود میانگین مقدار آلفای کرونباخ در پنج ۰/۸۹ گزارش شده. مقدار آلفای کرونباخ در مطالعات صورت گرفته در دامنه ۰/۸۴ - ۰/۹۲ قرار داشته است؛ در مورد مقیاس جهت‌گیری همنوایی میانگین آلفای کرونباخ ۰/۷۹ گزارش شده است. در مطالعات انجام‌شده مقدار آلفای کرونباخ جهت‌گیری همنوایی در دامنه ۰/۸۴ - ۰/۷۳ قرار دارد. بررسی همسانی درونی مشخص کرد که سؤالات مربوط به هر عامل با نمره کل آن عامل بیشترین همبستگی معنادار را دارند. همچنین بین نمرات مربوط به هر عامل و نمره همبستگی معناداری وجود داشت (کورس نیا، ۱۳۸۵) جهت‌گیری گفت‌و شنود با مقیاس توجه ۰/۷۴ و جهت‌گیری همنوایی با مقیاس حمایت بیش‌ازحد یا کنترل ۰/۴۹ همبستگی معنادار داشت (کورس نیا، ۱۳۸۵) ضریب پایایی باز آزمایی برای مقیاس جهت‌گیری گفت‌و شنود برابر ۰/۸۴ و در مورد مقیاس جهت‌گیری همنوایی ۰/۷۸ بوده است (کورس نیا، ۱۳۸۵). بررسی پایایی این پرسشنامه به روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ و شیوه آزمون باز آزمون حاکمی از پایایی این پرسشنامه بود. در مورد مقیاس جهت‌گیری گفت‌و شنود ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۷ و در مورد مقیاس جهت‌گیری همنوایی برابر با ۰/۸۱ گزارش شده است (کورس نیا، ۱۳۸۵).

۳- پرسشنامه تمایز یافتگی اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸): این پرسشنامه در سال ۱۹۹۸ توسط اسکورن و فریدلندر با ۴۳ ماده و به‌منظور سنجش سطح خود متمایز سازی افراد ساخته شد. تمرکز اصلی این مقیاس بر روابط مهم زندگی و ارتباطات جاری افراد با خانواده اصلی آن‌ها است (اسکورن و اسمیت ۲۰۰۳). این پرسشنامه در طیف لیکرت ۶ گزینه ایی درجه‌بندی شده و از ۴ خرده مقیاس واکنش‌پذیری هیجانی، جایگاه من، گریز هیجانی و هم آمیختگی با دیگران ساخته شده است. اسکورن و اسمیت (۲۰۰۳)، ضریب اعتبار کل آزمون را ۰/۹۲ برآورد کردند و یونسی (۱۳۸۵) این پرسشنامه را هنجاریابی و اعتبار آن را از طریق باز آزمایی و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۵ و خرده مقیاس‌های واکنش‌پذیری هیجانی ۰/۷۷، جایگاه من ۰/۶۰، گریز هیجانی ۰/۶۵ و هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۵ برآورد کرد. روایی آزمون نیز از طریق تحلیل عاملی مورد بررسی قرار گرفته و چهار عامل بارزش ویژه بالاتر از یک به دست آورده است که در مجموع ۵۷/۶۷ واریانس را تبیین کرده است. نمره کل این پرسشنامه حاصل جمع نمرات ۴۳ ماده پرسشنامه به دست می‌آید.

۳_ یافته‌ها

در این پژوهش ۵۰ نفر مشارکت داشتند. در جدول ۱ اطلاعات توصیفی (میانگین و انحراف معیار) متغیرها ارائه شده است.

جدول ۱: یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
دلزدگی زناشویی	۵۵/۴۰	۱۰/۶۹
الگوهای ارتباطی	۳۶/۰۲	۸/۲۹
تمایز یافتگی	۴۸/۱۸	۴/۲۶

در ادامه به بررسی روابط بین متغیرها پرداخته شده است؛ جهت بررسی روابط بین متغیرها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است؛ اما قبل از اجرا، نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از شاخصه‌ای چولگی و کشیدگی بررسی شد و نتایج نشان داد که در محدوده ۲ و ۲- وجود دارد؛ بر این اساس داده‌ها دارای توزیع نرمال است. در جدول ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرها ارائه شده است.

جدول ۲: ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	دلزدگی زناشویی
الگوهای ارتباطی	$-.0/330^*$
تمایزیافتگی	$-.0/497^{**}$

نتایج نشان داد که بین الگوهای ارتباطی کارآمد و دلزدگی زناشویی ارتباط منفی و معنادار ($-.0/330$) وجود دارد؛ درواقع افزایش الگوهای ارتباطی کارآمد با کاهش دلزدگی زناشویی همراه است. نتایج نشان داد که بین تمایزیافتگی و دلزدگی زناشویی ارتباط منفی و معنادار ($-.0/497$) وجود دارد؛ درواقع افزایش تمایزیافتگی با کاهش دلزدگی زناشویی همراه است. در ادامه جهت بررسی نقش بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی و انسجام خانواده در پیش‌بینی خود انتقادی از آزمون رگرسیون خطی چندگانه به روش گام‌به‌گام استفاده شده است؛ نتایج در جدول ۳ ارائه شده است. همچنین پیش‌فرض‌های رگرسیون همچون عدم هم خطی و استقلال خطاها برقرار بود.

جدول ۳: مدل رگرسیون پیش‌بینی دلزدگی زناشویی

پیش‌بین‌ها	R	R ²	F	B	SE _E	β	t-value	p-value
مقدار ثابت	-	-	-	۱۲۴/۰۶۱	۱۵/۰۷۰	-	۸/۲۳۲	۰/۰۰۱
تمایزیافتگی	۰/۴۹۷	۰/۲۴۷	۱۵/۷۱۴	-۱/۱۶۱	۰/۳۰۳	-۰/۴۳۶	-۳/۸۲۵	۰/۰۰۱
الگوهای ارتباطی	۰/۵۶۶	۰/۳۲۱	۱۱/۰۸۷	-۰/۳۵۳	۰/۱۵۶	-۰/۲۷۴	-۲/۲۶۱	۰/۰۲۸

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که متغیرهای تمایزیافتگی و الگوهای ارتباطی بر اساس ضریب R² درمجموع ۳۲ درصد از واریانس متغیر دلزدگی زناشویی را تبیین می‌کنند.

۴_ بحث و نتیجه‌گیری

هدف از مطالعه حاضر پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس تمایزیافتگی و الگوهای ارتباطی در افراد متأهل بود. نتایج نشان داد که بین الگوهای ارتباطی کارآمد و دلزدگی زناشویی ارتباط منفی و معنادار وجود دارد؛ درواقع افزایش الگوهای ارتباطی کارآمد با کاهش دلزدگی زناشویی همراه است. این نتایج همسو با پژوهش ثناگویی و همکاران (۱۳۹۰) بود. طبق نتایج پژوهش حاضر دلزدگی زناشویی از طریق الگوی ارتباطی سازنده/ متقابل به‌طور منفی پیش‌بینی می‌شود. در الگوهای ارتباطی سازنده/ متقابل، زوجین تلاش می‌کنند در مورد تعاملاتشان و چالش‌ها و مشکلاتشان با یکدیگر صحبت کنند و به شیوه‌های مناسب آن‌ها را حل کنند، در این الگو زوجین برای مسائلی که در زندگی‌شان پیش می‌آید به پیشنهاد راه‌حل و همفکری می‌پردازند و نسبت به یکدیگر احساساتشان را بیان می‌کنند و درنتیجه احساس نزدیکی و صمیمیت می‌کنند. زوجینی که از الگوی ارتباطی سازنده برخوردارند و به شیوه‌های منطقی و مناسب با یکدیگر به حل مسائلشان می‌پردازند و از یکدیگر توقعات زیاده از حد ندارند، کیفیت زندگی زناشویی بالاتر و دلزدگی زناشویی پایین‌تری را نشان دهند. در پژوهش حاضر، الگوهای اجتنابی متقابل و توقع/ کناره‌گیری نتوانسته‌اند دلزدگی را پیش‌بینی کنند. مثلاً اگر فرد شخصیت اجتنابی و کناره‌گیر داشته باشد و الگوهای ارتباطی هر دو نفر اجتنابی باشد در مقایسه بازمانی که فرد شخصیت وابسته دارد مطمئناً از این سبک ارتباطی کمتر اذیت خواهد شد و دلزدگی زناشویی کمتری را تجربه خواهد کرد.

یافته‌ی دیگر نتایج پژوهش حاکی از آن بود که رویکرد والش بر الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی زنان آسیب‌دیده خیانت زناشویی تأثیر معنادار دارد. بدین معنا که نتایج پژوهش فعلی با نتایج پژوهش والش (۲۰۰۷) و حسینی حاجی بکنده و همکاران (۱۳۹۵) هم‌جهت است؛ زیرا که این پژوهشگران نشان داده که زوجین به هنگام تعارضات زناشویی، دارای الگوهای ارتباطی و تعامل آسیب‌زا بوده و با به‌کارگیری رویکرد والش می‌توان میزان آسیب‌های روان‌شناختی آنان را کاهش داد. این فرآیند نیز بهبود در الگوهای ارتباطی را در پی دارد. همچنین می‌توان ادعان داشت که استفاده از مراحل سازنده در رویکرد والش، بر مهار هیجانات منفی، حل مشکل و به‌کارگیری عاطفه و احساس و تأثیر متقابل زوجین بر یکدیگر، نقش مهمی داشته و منجر به کاهش واکنش‌های هیجانی و آسیب‌های ارتباطی زوجین می‌شود (والش، ۲۰۰۷).

در زمینه الگوی ارتباطی اجتناب متقابل نتیجه برخی از پژوهش‌ها با نتایج پژوهش حاضر همسو است. محمدی و عارفی (۱۳۹۴) در بررسی رابطه بین سبک‌های ارتباطی و سازگاری زناشویی به این نتیجه رسیدند که رابطه منفی و معناداری بین الگوی ارتباطی اجتناب متقابل با سازگاری زناشویی وجود دارد اما این الگوی ارتباطی توانایی پیش‌بینی معنادار سازگاری زناشویی را ندارد.

نتایج نشان داد که بین تمایز یافتگی و دلزدگی زناشویی ارتباط منفی و معنادار وجود دارد؛ درواقع افزایش تمایز یافتگی با کاهش دلزدگی زناشویی همراه است. رابطه منفی و معنادار تمایز یافتگی با دلزدگی زناشویی و تعارض زناشویی، با یافته‌های طالبی و غباری بناب (۱۳۹۲)، نجف‌لوی (۱۳۸۵)، بیادسی- آشکار و پلژ (۲۰۱۳)، گابلن (۲۰۱۲) و گای (۲۰۰۰) هم‌سو است. در خصوص تبیین رابطه منفی و معنادار تمایز یافتگی با تعارض زناشویی، نجف‌لوی (۱۳۸۵) معتقد است که زن‌شوه‌ری که دارای سطوح پایین تمایز یافتگی هستند، در زمان ازدواج، ظرفیت محدودتری برای صمیمیت دارند، برای پایداری روابطشان خود رهبری‌شان را قربانی ازدواج می‌کنند. در این حالت، زوج‌ها در شرایط استرس‌زا، دچار اختلال در کارکرد زناشویی می‌شوند و از آنجاکه قدرت کمتری در برخورد منطقی با مشکلات دارند، به تعارض‌های زناشویی دامن می‌زنند.

از سویی در تبیین رابطه منفی و معنادار تمایز یافتگی با دلزدگی زناشویی، لیگانی (۲۰۱۳) بیان می‌کند که تمایز یافتگی بالا فرد را قادر می‌سازد تا مرزها را تنظیم کند. درواقع تمایز یافتگی، از آمیختگی زن و شوهر در مواقع بحرانی جلوگیری می‌کند و آن‌ها را قادر می‌سازد تا مشکلات موجود در رابطه را با عقل و منطق و نه بر اساس واکنش‌پذیری‌های هیجانی و احساسی، رفع کنند. در سمت مقابل، تمایز نیافتگی زوج‌ها از طریق فاصله‌گیری عاطفی از یکدیگر در موقعیت‌های دشوار، آن‌ها را به سمت دلزدگی زناشویی سوق می‌دهد.

پیشنهادهات

درمجموع می‌توان نتیجه گرفت که الگوهای ارتباطی و تمایز یافتگی نقش مؤثری بر دلزدگی زناشویی دارند؛ اما نتایج رگرسیون نشان داد که نقش تمایز یافتگی نسبت به الگوهای ارتباطی بیشتر است و هر دو ۳۲ درصد از واریانس دلزدگی زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند.

چرا اهمیت تمایز یافتگی نسبت به الگوهای ارتباطی بیشتر است؟

در نظام زناشویی وقتی تمایز یافتگی زوجین بالا باشد، احتمال سازگاری مناسب با تعارض‌ها نیز برای زوجین بیشتر می‌شود و همچنین تمایز یافتگی پایین از اجتناب، به هنگام وقوع تعارض "باهم بودن و فردیت" به برهم زدن تعادل می‌انجامد و در درازمدت به دلزدگی زناشویی منجر می‌شود. زمانی که زوجین دارای تمایز یافتگی بالایی باشند به‌خودی‌خود الگوهای ارتباطی زوجین نیز در سمت‌وسوی صحیح و کارآمد حرکت خواهد کرد. این نتیجه‌گیری به این معناست که تمایز یافتگی بر الگوهای ارتباطی بین زوجین از ارجحیت بالایی برخوردار است. هرچند الگوهای ارتباطی ناکارآمد نیز به‌تنهایی در دلزدگی زناشویی اثر معناداری دارد به این معنی که اگر الگوهای ارتباطی زوجین ناکارآمد باشد در درازمدت اثر سو بجا خواهد گذاشت و باعث افزایش تعارضات و درنهایت باعث دلزدگی زناشویی خواهد شد؛ اما ارجحیت و تأثیرگذاری تمایز یافتگی بر الگوهای ارتباطی در دلزدگی زناشویی بیشتر است.

ازجمله محدودیت‌های این تحقیق این است که این پژوهش، فقط مربوط به زنان متأهل شهر اصفهان است و نمونه‌گیری از نوع دسترس است ازاین‌رو باید در تعمیم‌یافته‌ها محتاط بود. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی شامل مردان متأهل نیز باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود که این تحقیق

در محدوده جغرافیایی وسیع تر و با روش های نمونه گیری تصادفی انجام گیرد. با توجه به جدید بودن موضوع و به خصوص ابزار به کاررفته، یعنی پرسشنامه دزدگی زناشویی، پیشنهاد می شود پژوهش های دیگری در جهت تعیین رابطه این متغیر با سایر متغیرهای مرتبط در حیطه زناشویی، انجام شود. بر اساس ارزیابی مراحل دزدگی زناشویی، درمانگران می توانند برنامه درمانی مناسبی را در مسیر کمک به زوجین در معرض دزدگی طرح ریزی کنند. به خصوص نقش واسطه ای تمایز یافتگی در ایجاد دزدگی زناشویی، می توان از نتایج این پژوهش برای بهبود فرایند زوج درمانی و پیشگیری از روند دزدگی بین زوجین استفاده کرد.

منابع

- اسلام زاده، رشیدی، فکریان (۱۳۹۵). تعیین نقش میانجی گری خودکارآمدی عمومی در رابطه تمایز یافتگی خود و هویت اجتماعی دانشجویان. فصلنامه علمی پژوهش های مشاوره، ۱۵ (۵۷): ۴۱-۵۷.
- آریامنش، فلاحچای و زارعی (۱۳۹۲). مقایسه تمایز یافتگی بین زوج های رضایت مند و زوج های دارای تعارض زناشویی در شهر بندرعباس. مجله پژوهش های روانشناسی بالینی و مشاوره، ۱، ۸۹-۸۱.
- پاینز، آبالامالاج (۱۳۸۱). چه کنیم تا عشق رؤیایی به دلزدگی نینجامد، ترجمه فاطمه شاداب، تهران: انتشارات ققنوس.
- پناهی و همکاران (۱۳۹۶). اثربخشی زوج درمانی رفتاری-تلفیقی بر کاهش دلزدگی زناشویی و ترس از صمیمیت زوج ها. فصلنامه روان شناسی کاربردی، ۱۱ (۴)، ۳۷۳-۳۹۲.
- ثناگوی، جان بزرگی، مهدویان (۱۳۹۰). رابطه الگوهای ارتباطی زوجین با رضامندی زناشویی. فصلنامه اسلام و روانشناسی، ش ۹ پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۷۵-۷۷.
- جاویدی، سلیمانی، احمدی، صمد زاده (۱۳۹۲). اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار بر بهبود الگوهای ارتباطی زوجین. مجله تحقیقات علوم رفتاری، ۱۱ (۵)، ۴۰۲-۴۱۰.
- حسینی، نوایی نژاد، کیامنش (۱۳۹۵). اثربخشی رویکرد والش بر تاب آوری زوجین. سومین کنفرانس بین المللی نوآوری های اخیر در روانشناسی، مشاوره و علوم رفتاری، تهران، موسسه آموزش عالی نیکان.
- حشمتی، قره داغی، جعفری، قلی زادگان (۱۳۹۶). پیش بینی بی رمقی زناشویی زوجین خواهان جدایی با آگاهی از شناسه های جمعیت شناختی، ذهن تمام عیار و تاب آوری هیجانی. مشاوره و روان درمانی خانواده، ۷ (۱)، ۱-۲۲.
- خواصی (۱۳۹۲). معنای حریم همسران در ازدواج های موفق (حریم و مرزهای زناشویی در مواجهه با عامل یا شخص سوم). تهران: انتشارات قطره.
- شعاع کاظمی (۱۳۹۶). خشونت خانگی، دزدگی زناشویی و احساس ارزشمندی در زنان عادی و مراجعه کننده دادگاه خانواده شهر تهران. مطالعات زن و خانواده، ۵ (۱)، ۵۲-۳۵.
- صدری دمیرچی، فتحی، هاشمی (۱۳۹۸). ارائه مدل سبک های دلبستگی و پیوستگی و انطباق خانواده با دلزدگی زناشویی والدین دانش آموزان دارای ناتوانی های یادگیری با میانجی گری تمایز یافتگی زوجین. ناتوانی های یادگیری، ۹ (۲)، ۵۸-۸۰.
- طالبی، غباری بناب (۱۳۹۲). تعیین رابطه تمایز یافتگی خود، هوش هیجانی و رضایت زناشویی در مراکز مشوره شهر شاهرود (ترنم، صبا، روزبه، بهزیستی، بنیاد شهید و امور ایثارگران). مجله مطالعات زن و خانواده، ۱۸، ۳۲-۱۵.

- عارفی، رحیمی، شیخ اسمعیلی (۱۳۹۵). پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوج‌های جوان فرهنگی بر مبنای میزان تمایز یافتگی از خانواده اصلی و رضایت زناشویی والدین. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۳۱(۳): ۸۷-۱۰۷.
- کوچکی امیرهنده، میگونی، ثابت (۱۳۹۶). نقش واسطه‌ای نشخوار خشم و نشخوار خودسرزنش گری در رابطه‌ی بین دلزدگی و خشونت زناشویی. اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی، ۱۲(۴۳): ۴۷-۵۶.
- کوروش نیا، لطیفیان (۱۳۸۵). بررسی رابطه ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده با میزان اضطراب و افسردگی فرزندان. مجله خانواده پژوهی، ۳(۱۰)، ۶۰۰-۵۸۷.
- گلدنبرگ، گلدنبرگ (۲۰۰۸). خانواده‌درمانی. ترجمه حمیدرضا حسین شاهی برواتی، سیامک نقشبندی و الهام ارجمند، ۱۳۹۲. تهران: انتشارات روان.
- گلدنبرگ، گلدنبرگ (۱۳۹۲). ترجمه سیامک نقشبندی، تهران: نشر روان.
- نادری، افتخار، آملازاده (۱۳۸۸). رابطه ویژگی‌های شخصیت و روابط صمیمی همسر با دلزدگی زناشویی در همسران معتاد مرد/هوا. یافته‌های نو در روانشناسی، ۴(۱۱)، ۶۱-۷۸.
- نجف‌لویی (۱۳۸۵). نقش تمایز خود در روابط زناشویی. مجله اندیشه‌های نوین تربیتی، ۴، ۳۷-۲۷.
- هال، پائولا (۱۳۹۲). بهبود روابط زناشویی به زبان آدمیزاد. ترجمه لیلا رسولی، چاپ اول، تهران: هیرمند.
- یوسفی، عزیزی (۱۳۹۷). تبیین مدلی برای پیش‌بینی تعارض زناشویی بر اساس تمایز یافتگی و تیپ‌های شخصیتی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۹(۳۵)، ۷۸-۵۷.

- Aspara, J. Wittkowski, K. & Luo, X. (2018). Types of intelligence predict likelihood to get married and stay married: Largescale empirical evidence for evolutionary theory. *Personality and Individual Differences*, 122, 1-6.
- Biadsky-Ashkar, A. & Peleg, O. (2013). The relationship between differentiation of self and satisfaction with life amongst Israeli women: A cross cultural perspective. *Health*, 5(09), 1467.
- Bitter, J. R. & Byrd, R. I. (2016). Adlerian family therapy. *The SAGE Encyclopedia of Marriage, Family and Couples Counseling*, 14-20.
- Cepukiene, V. (2021). Adults' psychosocial functioning through the lens of Bowen theory: The role of interparental relationship quality, attachment to parents, differentiation of self, and satisfaction with couple relationship. *Journal of Adult Development*, 28(1), 50-63.
- Clark, R. D. & Shields, G. (1997). Family communication and delinquency. *Adolescence*, 32(125), 81-93.
- Fitzpatrick, M. A. & Ritchie, L. D. (1997). Communication schemata within the family: Multiple perspectives on family interaction. *Human Communication Research*, 20(3), 275-301.
- Gabelman, E. (2012). *The effects of locus of control and differentiation of self on relationship satisfaction* (Doctoral dissertation, The Ohio State University).
- Gottman, J. M. & Notarius, C. I. (2002). Marital research in the 20th century and a research agenda for the 21st century. *Family process*, 41(2), 159-197.

Guy, E. "The effect of self differentiation on marital conflict. (2000): 65-76.

Kayser, K. (1993). *When love dies: The process of marital disaffection*. Guilford Press.

Klever, P. (2009). Goal direction and effectiveness, emotional maturity, and nuclear family functioning. *Journal of marital and family therapy*, 35(3), 308-324.

Koerner, A. F. & Fitzpatrick, M. A. (2002). You never leave your family in a fight: The impact of family of origin on conflict-behavior in romantic relationships. *Communication studies*, 53(3), 234-251.

Li, P. F. & Johnson, L. N. (2018). Couples' depression and relationship satisfaction: examining the moderating effects of demand/withdraw communication patterns. *Journal of Family Therapy*, 40, S63-S85.

Likcani, A. (2013). *Differentiation and intimate partner violence*. Dissertation for Doctor of Philosophy, College of Human Ecology, Kansas State University.

Manning, W. D. & Cohen, J. A. (2012). Premarital cohabitation and marital dissolution: An examination of recent marriages. *Journal of Marriage and Family*, 74(2), 377-387.

McCarthy, L. A. (2006). Influences of couple conflict type, division of labor, and violated expectations on first-time parents' individual and marital well-being. University of Florida.

Papero, D. V. (2000). *Bowen systems theory*. NY: Springer Publishing.

Pines, A. M. (1996). Teacher burnout: A psychodynamic existential perspective. *Teachers and Teaching*, 8(2), 121-140.

Pines, A. M. & Nunes, R. (2003). The relationship between career and couple burnout: Implications for career and couple counseling. *Journal of employment counseling*, 40(2), 50-64.

Rueter, M. A. & Koerner, A. F. (2008). The effect of family communication patterns on adopted adolescent adjustment. *Journal of Marriage and Family*, 70(3), 715-727.

Skowron, E. A. & Dendy, A. K. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlates of effortful control. *Contemporary family therapy*, 26(3), 337-357.

Skowron, E. A. & Friedlander, M. L. (1998). The Differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of counseling psychology*, 45(3), 235.

Skowron, E. A. & Schmitt, T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of marital and family therapy*, 29(2), 209-222.

Walsh, F. (2007). Traumatic loss and major disasters: Strengthening family and community resilience. *Family process*, 46(2), 207-227.